

قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی

افغانستان

پیشنهادی حزب وحدت اسلامی افغانستان

اشاره:

آنچه می خوانید متن پیش نویس طرح پیشنهادی حزب وحدت اسلامی افغانستان است که در سال ۷۲ در کابل با ابتکار و پیشنهاد استاد شهید عبدالعلی مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان تهیه شده بود.

البته لازم به ذکر است که این متن هنوز بطور نهایی مورد تصویب استاد شهید و سایر مسؤولین حزب وحدت قرار نگرفته بود اما اصول و کلیات آن از نظر آنان گذشته بود.

اکنون متن این پیش نویس را جهت مطالعه و استفاده صاحب نظران و علاقه مندان به چاپ می سپاریم.

(سراج)

مقدمه

وطن عزیز ما افغانستان یک کشور باستانی و دارای تاریخ چندین هزارساله می باشد که در قلب آسیا، نقطه تقاطع

مدنیتهای قدیمی سواحل مدیترانه، هندوچین موقعیت داشته که همین موقعیت حساس جیوپولیتیکی آن توجه جهان گشایان و متجاوزین را در درازنای تاریخ به خود جلب و مورد تجاوز استیلاگران خارجی و لشکرکشیهای استعماری قرار گرفته است. و مردم این سرزمین از تجاوز سکندر مقدونی الی شکست قطعی امپراطوری بریتانیای کبیر نه تنها وطن دوستی و آزادگی را از آن خود ساخت بلکه برای سایر مردمان منطقه و جهان بحیث مرکز الهام مبدل گشت.

زمانی که نظامهای مستبد و بیگانه پرست، بر اریکه قدرت جا گرفته و حاکم بر سرنوشت مردم آزاده می گردیدند، سعی نمودند تا ملیتها و اقوام باهم برادر را از یکدیگر دور نگهدارند تا ارگان زندگی با همی در پندار و کردارشان رشد نکرده و مناسبات بین آنها تا حدودی سرد و کرخت باشد و یا با دادن امتیاز به یکی و چشم پوشی از حقوق دیگری ایجاد زمینه بدبینیها، تعصبات ناروا و حتی ستیزه جویی ها را در بینشان براه انداخته تا خود چند

روزی به حاکمیت ظالمانه خویش ادامه دهند.

حکام ظالم وقت، برای مردم مسلمان ما کمتر مجال استفاده از منابع سرشار طبیعی کشور و مزایای تمدن بشری را داده که در نتیجه آن فقر، بی‌اتفاقی و عقب‌مانی نصیب مردم ما گردید است.

بدنبال کودتای هفت ثور فاجعه بزرگی در تاریخ کشور ما رخ داد و آن عبارت است از هجوم و اشغال وطن عزیز ما از جانب قوای سرخ شوروی که در نتیجه آن جاسوسان بیگانه پرست و ضد مردمی به قدرت رسیدند. در مقابل این تجاوز ننگین، مردم مسلمان و شهیدپرور، دلیر و وطنپرست ما به اساس حکم صریح قرآن که می‌فرمایند:

«الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا» در یک صف واحد جهاد به پا خواستند و با قبول هرگونه قربانی، فداکاری، شهادت، تحمل شکنجه، زجر سلولهای تاریک زندان ورنجهای بیکران مهاجرت با اراده پولادین و توکل به خداوند(ج) ایستادگی نموده با تشکیل احزاب سیاسی، سنگرهای جهادی را ایجاد و سرانجام طی چهارده سال جهاد مقدس نه تنها وطن را از لوث قوای متجاوز و نوکران آنها پاک کردند، بلکه سایر مردم مسلمان و ملل جهان را از چنگال الحادیشان نجات دادند.

اکنون که انقلاب اسلامی، بر بنیاد ایمان و اعتقاد راسخ به قرآن پاک و احکام نجات‌بخش آن با ثمره جهاد کبیر چهارده ساله، دادن صدها هزار شهید، معلول، بیوه، یتیم و خسارات بی‌شمار مادی و معنوی به خاطر تحقق و پیاده شدن نظام عدل الهی به پیروزی رسیده که در نتیجه آن دولت اسلامی در کشور استقرار یافته و زمینه را برای تأمین عدالت اسلامی به خاطر ایجاد دولت با قاعده وسیع، برادری و برابری، تساوی حقوق و آبادی و عمران کشور هموار نموده است؛ حزب وحدت سلامی افغانستان معتقد است که به منظور حل عادلانه مسأله ملی

و خاتمه دادن به نفاقهای گوناگون نژادی، لسانی و منطوقوی بهترین شکل حاکمیت اسلامی در کشور، ایجاد ساختار دولتی بر پایه اصول فدرال با درنظر داشت تقسیمات ملکی بر اساس ویژگیهای ملی، تاریخی، فرهنگی و سایر مشخصات اجتماعی می‌باشد. لہذا به منظور حل عادلانه مسایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بازسازی کشور جنگ‌زده مان مسوده این قانون اساسی را طرح و تقدیم می‌دارد.

فصل اول: نظام سیاسی

ماده اول: دولت افغانستان، جمهوری فدرالی اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه بوده و بر تمام قلمرو خود دارای حاکمیت می‌باشد.

حاکمیت ملی به مردم مسلمان افغانستان تعلق دارد. قدرت دولت از مردم برخاسته، مردم از طریق انتخابات و رأی دهی، به وسیله ارگانهای مقننه، اجراییه و قضاییه این قدرت را اعمال می‌نمایند. ارگانهای اجراییه و قضاییه مکلفند از قانون و عدالت اطاعت و پیروی نمایند.

ماده دوم: دین رسمی مردم افغانستان دین مبین اسلام و مذاهب رسمی آن جعفری و حنفی می‌باشد.

ماده سوم: منبع اصلی قوانین در افغانستان اساسات دین مقدس اسلام بوده و هیچ قانونی نمی‌تواند مناقض احکام اسلام و این قانون اساسی باشد.

ماده چهارم: تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی در کشور مجاز است مشروط بر اینکه برنامه آنها با اساسات اسلام، اصول دموکراسی، عدالت اجتماعی و ارزشهای والای انسانی موافق بوده و منابع مالی آن علنی باشد.

- حزبی که اهداف و اعمال آن استقلال سیاسی و حاکمیت ملی کشور را به خطر مواجه سازد مخالف قانون اساسی دانسته شده و محکمه عالی در باره انحلال آن تصمیم اتخاذ می‌نماید.

۵- ایالت ننگرهار که مرکز آن شهر جلال آباد می باشد.

۶- ایالت کابل که مرکز آن شهر کابل می باشد.

ماده سیزدهم: قانون اساسی جمهوری فدرالی افغانستان توسط کمیسیون تدوین قانون اساسی طرح و مجلس مؤسسان آنرا تصویب می دارد.

ماده چهاردهم: هر ایالت دارای قانون اساسی و قوانین فرعی خاص می باشد. اما قانون اساسی و قوانین فرعی هیچ ایالت مخالف با قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی کشور وضع شده نمی تواند.

قانون اساسی و قوانین ایالتی توسط شورای ایالتی هر ایالتی طرح و توسط مجلس شورای ملی فدرال به تصویب می رسد.

ماده پانزدهم: برای تجدیدنظر در تشکیلات اساسی واحدهای اداری و تعیین حدود جغرافیایی ایالات کمیسیون باصلاحیتی از جانب دولت توظیف گردیده و نظریات کمیسیون توسط شورای ملی فدرال تصویب می گردد.

ماده شانزدهم: به ملاحظه علایق منطوقی، تاریخی، کسالتوری، مقتضیات اقتصادی و سازگاری اخلاقی و اجتماعی، الحاق ایالات به همدیگر و انفصال آنها از یکدیگر و تجدید سازمان و ایجاد تغییر در حدود جغرافیایی ایالات و ایجاد ایالت جدید بر اساس اراده مردمان ایالات مطابق به احکام این قانون مجاز است.

ماده هفدهم: سیاست خارجی، دفاعی، امنیت ملی، نشر پول، تجارت خارجی و قراردادهای خارجی و معاهدات بین المللی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تحت اداره مستقیم دولت مرکزی فدرالی قرار دارد و هیچ ایالتی نمی تواند در موارد فوق الذکر بدون اجازه دولت مرکزی فدرال مستقلاً عمل نماید.

ماده هیجدهم: هرگاه بر اثر انعقاد قرار داد و معاهدات

ماده پنجم: قضات، مدعی العموم (خارنوال) و منسوبین قوای مسلح در مدت تصدی و وظیفه نمی توانند عضویت حزب سیاسی را داشته باشند.

ماده ششم: مردم حق دارند در برابر شخص، مقام و حزبی که قانون اساسی را رعایت نمی کنند مقاومت نشان دهند.

ماده هفتم: دفاع از استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، حفظ دست آوردهای انقلاب اسلامی، تجهیز مادی و معنوی قوای مسلح (اردو، امنیت و پولیس) از وظایف اساسی دولت اسلامی است.

ماده هشتم: از جمله زبانهای ملی کشور، دری و پشتو زبانهای رسمی می باشند.

ماده نهم: نشان دولتی افغانستان مطابق حکم فقره (۱۶) ماده (۱۰۱) این قانون اساسی از طرف شورای ملی فدرال طرح و تصویب می گردد.

ماده دهم: بیرق جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان دارای سه رنگ می باشد که به شکل قطعات سیاه، سرخ و سبز از بالا به پایین به صورت افقی به اندازه مساوی واقع شده است. در ربع قسمت بالایی هر دوروی بیرق به طرف چوبه آن نشان جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان قرار دارد.

طول بیرق نسبت به عرض آن دو چند می باشد.

ماده یازدهم: پایتخت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان شهر کابل است.

ماده دوازدهم: ایالات جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان عبارتند از:

- ۱- ایالت غرجستان که مرکز آن شهر بامیان می باشد.
- ۲- ایالت بلخ که مرکز آن شهر مزار شریف می باشد.
- ۳- ایالت هرات که مرکز آن شهر هرات می باشد.
- ۴- ایالت کندهار که مرکز آن شهر کندهار می باشد.

ماده بیست و پنجم: هر عملی که هدف آن ایجاد دشمنی بین ملیتها، اقوام و ایالات باشد مخصوصاً عمل آمادگی برای جنگ تجاوز کارانه، مخالف قانون اساسی اعلام گردیده، جرم قابل مجازات تلقی می گردد.

ماده بیست و ششم: اسلحه و وسایل نظامی که برای دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و دفع و طرد تجاوز خارجی تدارک دیده می شود، استعمال، انتقال و استفاده از آن بدون اجازه دولت مرکزی و حکم قانون مجاز نیست.

ماده بیست و هفتم: در صورت بروز اختلافات و منازعات بین ایالات قضیه به محکمه عالی فدرال ارجاع و فیصله می گردد.

فصل دوم: اساسات نظام اجتماعی

ماده بیست و هشتم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان کشور کثیرالملیت است. دولت سیاست تقویه روحیه برابری و برادری، تفاهم، دوستی، همکاری متقابل ملیتها، اقوام و قبایل کشور را به منظور تأمین عدالت در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعقیب می نماید.

ماده بیست و نهم: دولت به منظور رشد فرهنگ، زبان، ادبیات و فلکلور مردم تدابیر لازم اتخاذ کرده و آنرا انکشاف می دهد.

ماده سی ام: در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد. خانواده بر اساس احکام اسلام، اخلاق و عنعنات ملی تشکیل گردیده و دولت حرمت و خصایل اصیل اسلامی و ملی آنرا حفظ نموده به رشد خانواده در مناسبات داخلی جامعه توجه می کند.

- دولت به منظور حفظ سلامت جامعه در باره تأمین

دولت مرکزی با دول خارجی، اوضاع و شرایط ایالت و ایالاتی متأثر گردد باید دولت مرکزی قبل از آن با آن ایالت یا ایالات مذاکره و تفاهم نموده تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده نوزدهم: مأمورین عالی رتبه که در مقامات عالیه دولت مرکزی فدرال استخدام و همچنان سفرا و دیپلماتهای افغانستانی که در خارج و محافل بین المللی تعیین می گردند از تمام ایالات بر اساس اهلیت و متناسب با تعداد نفوس شان انتخاب می شوند.

ماده بیستم: ملیتهای ساکن در کشور به تناسب نفوسشان در تشکیل قوای مسلح و قوای امنیت ملی سهم می گردند. - پولیس هر ایالت از مردم آن ایالت تشکیل می گردد.

ماده بیست و یکم: چگونگی پرداخت مالیه، محصول، عواید به دولت و مسایل مالی بین دولت و ایالات و بودجه ایالات توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده بیست و دوم: به خاطر جلوگیری از فاجعه ملی و یا سانحه بزرگ، هر ایالت می تواند از پولیس سایر ایالات، قوای سرحدی، قوای مسلح، تجهیزات و امکانات مقامات دولتی استمداد نمایند.

ماده بیست و سوم: در صورتیکه خطر فاجعه و سانحه از حدود جغرافیایی یک ایالت فراتر رود، دولت مرکزی فدرال به ادارات ایالات همجوار دستور میدهد تا قوای پولیس و تجهیزات خود را در اختیار ایالاتی که در معرض خطر واقع گردیده اند قرار داده به قوای سرحدی و قوای مسلح دستور می دهد که قوای پولیس و مقامات اداری ایالتی را تقویت نمایند. تدابیر و قیودی که در چنین حالات وضع می گردد با از میان رفتن خطر بدون تأخیر رفع می گردد.

ماده بیست و چهارم: تمام مقامات دولتی مرکزی فدرال و مقامات ایالتی به یکدیگر کمکهای متقابل قانونی و اداری انجام می دهند.

ماده سی و هفتم: ملکیت به اشکال مختلف دولتی، مختلط، جمعی، اوقاف، خصوصی، شخصی و ملکیت سازمانهای سیاسی و اجتماعی وجود دارد و دولت از تمام انواع ملکیتهای قانونی حمایت می‌کند.

ماده سی و هشتم: منابع زیرزمینی، جنگلها، چراگاهها، اراضی بایرلم یزرع و لامالک، معادن، منابع اساسی انرژی، ابدات تاریخی، تأسیسات رادیو، تلویزیون، تأسیسات مخابراتی، بندهای بزرگ زراعتی و انرژی، بنادر و خطوط مواصلاتی از جمله ملکیتهای دولت می‌باشد.

- سرمایه گذاری خصوصی جهت استفاده از جنگلها و چراگاهها، منابع انرژی، معادن، خرید و فروش وسایل مخابراتی طبق قانون مجاز است.

- در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان در کنار بانکها، بیمه و ترانسپورت زمینی و هوایی دولتی، ایجاد بانکهای سهامی، بیمه، ترانسپورتهای هوایی و زمینی خصوصی و مختلط طبق قانون مجاز است.

- تأسیس و فعالیت نمایندگی بانکها و بیمه خارجی طبق قانون مجاز است.

ماده سی و نهم: دولت در ایجاد، تقویه و گسترش مؤسسات تعاونی اسلامی مساعدت می‌نماید.

ماده چهلم: دولت از فعالیتهای انفرادی پیشه وران، اهل حرفه و صنعت، صنایع مستظرفه و صنایع دستی حمایت می‌کند.

ماده چهلم و یکم: دولت بانکهای زراعتی، صادراتی، معاملاتی، رهنی و تعمیراتی و بانکهای تجارتي را تقویه و شرایط استفاده از آنها را برای مردم تسهیل می‌نماید.

ماده چهلم و دوم: دولت به دهقانان و زمینداران کمک نموده و در ایجاد فارمهای عادی و مکانیزه زراعتی، مالداري و مرغداری خصوصی و مختلط و آبادی اراضی لامزرع مساعدت مؤثر می‌نماید.

صحت طفل و مادر و تربیه سالم اطفال تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

ماده سی و یکم: تعلیمات عالیّه اسلام، اخلاق اسلامی، وطن دوستی، رسوم و عنعنات پسندیده ملی، زیر بنای معنوی جامعه ما را تشکیل داده و دولت به حفظ حرمت، ترویج و تعمیل آن مکلف می‌باشد.

ماده سی و دوم: دولت از حقوق و مکلفیتهای زن در برابر خانواده و جامعه حمایت نموده تساوی حقوق اسلامی و قانونی زن و مرد را در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تضمین می‌نماید.

ماده سی و سوم: دولت به تربیه و مشکلات جوانان و نوجوانان توجه نموده شرایط لازم را جهت پرورش سالم بدنی و استعدادهای فکری آنها فراهم می‌آورد.

ماده سی و چهارم: حق زندگی، آزادی، کار، تحصیل، حق اشتراک در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حق تأمین صحت و تأمین معیشت در ایام بیکاری، حق بازنشستگی بر اثر مرض، کهولت سن و معلولیت ناشی از اجرای وظیفه و حقوق خانواده شهدا از طرف جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تضمین می‌گردد.

فصل سوم: اساسات اقتصادی

ماده سی و پنجم: دولت سیاست اقتصادی را که هدف آن بسیج و بکار بردن تمام منابع کشور به خاطر رفع عقب ماندگی، ایجاد شرایط کار، ارتقای سطح زندگی مردم، تکامل اجتماعی، تحکیم و توسعه اقتصادی و رفاه جامعه می‌باشد عملی نموده و به این منظور پلانهای انکشافی اقتصادی و اجتماعی را تنظیم و تطبیق می‌نماید.

ماده سی و ششم: در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان ملکیت از تعرض مصون است.

ماده چهل و سوم: دولت شرایط لازم را برای رشد مالداري و ارتقای سطح زندگی مالداران آماده می‌سازد.

ماده چهل و چهارم: دولت سرمایه و سرمایه گذاری خصوصی را به منظور انکشاف اقتصاد ملی تضمین نموده و اشتراک سرمایه‌داران ملی را در انکشاف تجارت، ساختمان، ترانسپورت، صنایع خفیفه و ثقیله، ایجاد مؤسسات تحقیقات علمی، صنعتی، تولیدی، زراعت و حفر چاه‌های عمیق اعمار بندهای کوچک برق، ایجاد کلینیک‌های صحی طبق قانون تشویق و حمایت می‌کند.

- دولت از سرمایه و سرمایه‌داران ملی در برابر رقابت سرمایه خارجی حمایت کرده و حین تنظیم سیاست مالی، کزیدی، گمرکی و قیم، منافع آنها را طبق قانون در نظر می‌گیرد.

ماده چهل و پنجم: به منظور رفع عقب ماندگی و جبران آن و ایجاد زندگی مرفه و نوین مطابق مقتضیات عصر و زمان، وصول سریع به سطح زندگی عالی، سرمایه گذاری خصوصی، مختلط داخلی و خارجی را در عرصه‌های صنایع ثقیله و خفیفه، راه آهن، نفت و گاز، پندهای بزرگ برق نساجی، سمنت، ذوب آهن، فابریکات تولید ماشین آلات و راه‌های مواصلاتی، دولت طبق قانون تشویق و حمایت می‌کند. مشروط بر اینکه سرمایه گذاری خارجی مغایر منافع ملی کشور نباشد.

ماده چهل و ششم: در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان اشخاص خارجی حقوق ملکیت عقاری را ندارند فروش عقار به نمایندگیهای سیاسی و دول خارجی بر اساس رویه‌ی بالمثل و به مؤسسات بین‌المللی که افغانستان عضو آن می‌باشد بعد از موافقه حکومت و تصویب شورای ملی (پارلمان) مجاز است.

ماده چهل و هفتم: استملاک ملکیت شخصی از جانب دولت تنها به مقصد تأمین مصالح عامه و در بدل عوض

عادلانه صورت می‌گیرند. مصادره ملکیت بدون حکم قانون و فیصله محکمه به هیچ وجه جایز نیست.

ماده چهل و هشتم: تأدیه مالیه و محصول به دولت مکلفیت اتباع است. اخذ هیچ نوع مالیه و محصول بدون حکم قانون مجاز نیست. اندازه مالیه و محصول و طرز تا دیه آن با رعایت عدالت اسلامی توسط قانون تعیین و تنظیم می‌گردد.

- این حکم در مورد اشخاص و مؤسسات خارجی نیز تطبیق می‌گردد.

ماده چهل و نهم: دولت در مورد حفظ طبیعت، ثروتهای طبیعی و استفاده معقول از منابع آن، بهبود محیط زیست، حفظ جنگلات، جلوگیری از آلودگی آب و هوا، حفظ و آبقای عالم حیوانات و نباتات، تدابیر لازم اتخاذ و عملی می‌نماید.

ماده پنجاهم: تطبیق و گسترش اوزان، مقیاسها و محکها با نورم و ستندرد بین‌المللی در سراسر کشور وظیفه دولت می‌باشد.

فصل چهارم: تابعیت، آزادی، حقوق اساسی

و وجایب اتباع کشور

ماده پنجاه و یکم: تابعیت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان برای تمام اتباع مساوی و یکسان است. حصول و سلب تابعیت توسط قانون تنظیم می‌گردد.

- هر شخصیکه تابعیت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را طبق قانون دارا باشد افغان نامیده می‌شود.

ماده پنجاه و دوم: هیچ افغان بعلت اتهام بیک جرم به دولت خارجی تسلیم داده نمی‌شود.

ماده پنجاه و سوم: هیچ افغان در داخل و خارج کشور تبعید نمی‌گردد.

ماده پنجاه و چهارم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی

افغانستان در خارج تحت حمایت دولت قرار داشته و دولت از حقوق و منافع قانونی آنها حمایت می‌کند.

ماده پنجاه و پنجم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان از حقوق و آزادیهای اتباع خارجی مقیم در افغانستان حمایت نموده و آنها مکلفند احکام قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت کنند.

ماده پنجاه و ششم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان اعم از زن و مرد بدون در نظر داشت تعلقات ملیت، نژاد، لسان، قبیله، دین، مذهب، عقیده سیاسی، تحصیل و شغل و دارایی، موقف دولتی و اجتماعی، محل سکونت و اقامت در برابر قانون دارای حقوق و وجایب یکسان بوده مورد تبعیض و یا امتیاز قرار نمی‌گیرند.

ماده پنجاه و هفتم: زندگی حق طبیعی انسان است، هیچکس بدون مجوز قانونی و شرعی از این حق محروم نمی‌گردد.

ماده پنجاه و هشتم: کرامت انسان از تعرض مصون است و دولت مکلف به حمایت از آن می‌باشد.

ماده پنجاه و نهم: آزادی حق طبیعی انسان بوده و این حق جز آزادی دیگران، منافع عامه و احکام قانون، حدودی ندارد.

ماده شصتم: تمام اتباع جمهوری فدرالی افغانستان در انتخاب شغل، حرفه، مسلک، محل کار و زیست و محل آموزش و پرورش آزادند.

ماده شصت و یکم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان دارای حق مسافرت و انتخاب آزاد محل سکونت و اقامت در کشور می‌باشند. دولت می‌تواند به منظور حفظ امنیت و نظم عامه و جلوگیری از شیوع امراض، مسافرت، سکونت و اقامت را در مناطق موقتاً محدود و یا ممنوع سازد.

ماده شصت و دوم: اتباع حق دارند طبق قانون به خارج

کشور مسافرت نموده و به وطن عودت نمایند.

ماده شصت و سوم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان اجرای مناسک و مراسم دینی و مذهبی را برای تمام مسلمانان کشور تضمین میکند و پیروان سایر ادیان در اجرای مراسم مذهبی خویش آزاد می‌باشند اما تبلیغ و اظهار آن گونه عقاید و اجرای مراسمی که بر وحدت ملی و امنیت کشور صدمه وارد نموده مناقض احکام دین اسلام باشد و موجب ایجاد دشمنی در میان اقوام و ملیتها و مردم ساکن در کشور گردد اکیداً ممنوع است.

ماده شصت و چهارم: اتباع حق دارند در زندگی سیاسی، اجتماعی و اداره امور دولت به صورت مستقیم و یا از طریق نمایندگان خود شرکت نمایند.

ماده شصت و پنجم: اتباع دارای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن بوده شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده شصت و ششم: اتباع دارای حق آزادی فکر و بیان می‌باشند و آنها از این حق به وسیله گفتن، نوشتن، رسم تصویر، نشرکتب، مجلات و جراید و سایر وسایل طبق قانون استفاده می‌نمایند.

ماده شصت و هفتم: طبع و نشرکتب، مجله، روزنامه و جرایده طبق قانون آزاد است.

ماده شصت و هشتم: در حالت اضطرار و یا زمان جنگ بالای مطبوعات، جراید و سایر وسایل ارتباط جمعی کنترل محدود و موقت وضع گردیده که بعد از رفع آن حالت، محدودیت وضع شده مرفوع می‌گردد.

ماده شصت و نهم: دولت آزادی تحقیقات علمی، هنری، کلتوری و ابتکارات ادبی را تضمین نموده و وسایل تشویق لازم را برای این منظور فراهم می‌سازد.

ماده هفتادم: اتباع حق دارند به صورت مسالمت آمیز بدون اطلاعیه قبلی به دولت اجتماعات تشکیل دهند.

به وسیله تهدید، تخویف و اکراه گرفته می شود اعتبار ندارد. هرگاه موظفین خدمات عامه، متهم و یا شخصی دیگر را به منظور گرفتن اقرار، اظهار و یا شهادت شکنجه نماید و یا به تعمیل شکنجه امر نماید، مطابق قانون مجازات می گردد.

استناد به امر مقامات مافوق، مرتکب را از مجازات ناشی از ارتکاب اعمال خلاف قانون برائت نمی دهد.

ماده هفتاد و پنجم: مدیون بودن شخص موجب سلب آزادی وی شده نمی تواند. طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتاد و ششم: در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان، حرمت و مصونیت منزل و مسکن تضمین می گردد هیچکس به شمول نماینده دولت بدون اجازه ساکن و اهل منزل نمی تواند در آن داخل گردیده و با تفتیش نماید مگر در حالاتیکه قانون اجازه دهد.

ماده هفتاد و هفتم: دولت محرمیت مراسلات، مخابرات تلفونی و تلگرافی را تضمین می نماید. هیچکس به شمول نماینده دولت نمی تواند بدون حکم قانون به تفتیش مراسلات و استراق سمع مخابرات اقدام نماید.

ماده هفتاد و هشتم: هرگاه اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان از ارگانهای دولتی و سازمانهای اجتماعی و سیاسی و مسئولین امور حین اجرای وظیفه متضرر گردند دارای حق جبران خساره می باشند.

- شرایط و طرز جبران خساره توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتاد و نهم: هر نوع تجاوز برآزادیهای شخصی، مصونیت زندگی و سایر حقوق و آزادیهای قانونی اتباع جرم بوده، بالای متجاوز اقامه دعوی جزایی و مدنی صورت می گیرد. دولت تعویض و جبران خساره عادلانه را برای شخصیکه مورد تجاوز قرار گرفته تضمین می کند.

گردهم آییها مطابق قانون جواز دارد.

ماده هفتاد و یکم: اتباع حق دارند که سازمانهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و تحقیقاتی طبق قانون ایجاد نمایند. تشکیل سازمانهاییکه مخالف مصالح عالیای مملکت و دارای خصلت نظامی باشد جواز ندارد.

ماده هفتاد و دوم: اتباع دارای حق شکایت، انتقاد و پیشنهاد فردی و دست جمعی بوده و ارگانهای دولت و مسئولین موظفند به شکایات، پیشنهادات و انتقادات در موعد یکه قانون تعیین کرده رسیدگی و اجراءات نمایند. تعقیب به خاطر انتقاد ممنوع است.

ماده هفتاد و سوم: برائت ذمه، حالت اصلی است. متهم تا زمانیکه به حکم قطعی محکمه محکوم نشده باشد بیگناه شناخته می شود.

- هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر مطابق با احکام قانون.

- هیچکس را نمی توان توقیف نمود مگر به استیذان محکمه با صلاحیت و مطابق با احکام قانون.

- هیچکس را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق با احکام قانون و متناسب به جرمیکه مرتکب گردیده است.

- جرم امر شخصی است، بارتکاب آن شخص دیگر مجازات نمی گردد.

- متهم حق دارد شخصاً و یا توسط وکیل مدافع از خود دفاع کند.

ماده هفتاد و چهارم: جزای مخالف کرامت انسانی، شکنجه و تعذیب جواز ندارد.

- گرفتن اقرار، شهادت یا اظهار از متهم یا شخصی دیگر به وسیله تهدید، تخویف و اکراه ممنوع است.

- اقرار، اظهار و شهادتیکه از متهم و یا شخص دیگر

صحت کهن سالان، معلولین کار، جنگ و وارثین شهدا، تأمین صحت طفل و مادر تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده هشتاد و چهارم: دولت از تحقیقات علمی، فنی و هنری تشویق و حمایت نموده و از حقوق مادی و معنوی مؤلفان، مخترعان و محققان حراست نموده نتایج تحقیقات علمی، فنی و هنری را در جامعه و زندگی اجتماعی ترویج مینماید.

ماده هشتاد و پنجم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان مکلفند احکام این قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت نمایند.

- بی خبری از احکام قانون، عذر و سند برائت شمرده نمی شود.

ماده هشتاد و ششم: هر تبعه کشور مکلف است طبق حکم ماده ۴۸ این قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه کند.

ماده هشتاد و هفتم: اتباع افغانی مکلفند که از استقلال سیاسی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی دفاع نمایند شرایط خدمت در قوای مسلح مطابق به احکام قانون تنظیم می گردد.

ماده هشتاد و هشتم: دولت از حقوق اساسی و آزادیهای اتباع حمایت نموده شرایط لازم را برای انجام مکلفیتهای اتباع فراهم می سازد. هیچکس حق ندارد از حقوق و از آدیهای مندرج این قانون اساسی علیه امنیت مملکت و مصالح علیای وطن و منافع عامه و بر ضرر حقوق و آزادیهای سایر اتباع استفاده نماید.

ماده هشتاد و نهم: دولت مکلف است جهت جلوگیری از فرار مغزها، شرایط لازم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را برای بازگشت دانشمندان و متخصصین افغانی مقیم خارج کشور به وطن ایجاد نماید.

ماده نودم: دولت مکلف است به منظور بازگشت با

ماده هشتادم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان با در نظر داشت نیازمندیهای جامعه مطابق رشته تخصصی خویش دارای حق احراز وظایف دولتی و انتخاب شغل می باشند.

- عزل کارمندان دولت بدون حکم قانون و حکم محکمه با صلاحیت جواز ندارد.

ماده هشتاد و یکم: دولت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تعیین ساعات کار، اندازه مزد، ایام رخصتی، ایام تعطیل با معاش، چگونگی شرایط کار و ایام استراحت، تأمین ایام بیکاری حقوق متقاعدین و حقوق معلولینیکه معلولیتشان ناشی از اجرای وظیفه شده باشد و حقوق بازماندگان شهدا را طبق قانون تنظیم می کند.

ماده هشتاد و دوم: اتباع جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان دارای حق تعلیم و تربیه و تحصیل رایگان می باشند.

- دولت به منظور ارتقای سطح و تجهیز جامعه به علوم و تکنولوژی معاصر و رشد سیستم تحصیلات عالی و تربیه کادرهای ملی، تأمین تعلیمات ابتدایی اجباری، تعلیمات عمومی تخنیکی حرفوی و مسلکی و امچای بیکوادری تدابیر لازم را اتخاذ می نماید.

- ایجاد مؤسسات تعلیمی و تحصیلی در صورتیکه با معیارهای تحصیلی دولت برابر باشد بخش خصوصی طبق قانون مجاز است.

ماده هشتاد و سوم: دولت به منظور حفظ صحت عامه و خدمات صحی سراسری ملی و جلوگیری از امراض واگیر مراکز خدمات صحی و مؤسسات پرورش دکتوران طب را توسعه داده و از ایجاد مؤسسات و خدمات طبی خصوصی که با معیارهای دولتی برابر باشد مطابق قانون حمایت می نماید.

- دولت در باره توسعه خدمات صحی رایگان، تأمین

اطمینان هموطنان مهاجر، مناطق مزروعی، مسکونی و راه‌ها را از وجود انواع مینها و مواد منفجره پاک سازی نموده و شرایط لازم زندگی را برای شان مساعد نماید.

فصل پنجم: مجلس مؤسسان

ماده نود و یکم: مجلس مؤسسان صرف برای یکدوره تقنینیه موقت بوده که به منظور تصویب اولین قانون اساسی دولت فدرال اسلامی کشور، نمایندگان منتخب مردم دعوت می‌گردند.

ماده نود و دوم: مجلس مؤسسان متشکل است از:

۱- رئیس جمهور و معاونان آن.

۲- رهبران احزاب جهادی کشور.

۳- وزرای دولت.

۴- قاضی القضاة و معاونان او.

۵- رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی خارنوال).

۶- از هر پنجاه هزار نفر یک نفر نماینده بر اساس

انتخابات عمومی، آزاد، سری و مستقیم.

۷- اعضای کمیسیون موظف طرح تسوید قانون

اساسی.

ماده نود و سوم: شخص انتخاب شونده برای عضویت

در مجلس مؤسسان باید خواندن و نوشتن را بداند.

ماده نود و چهارم: هیأت اداری مجلس مؤسسان توسط

خود مجلس مؤسسان تصویب و تعداد آنها در طرزالعمل

مجلس تعیین می‌گردد.

ماده نود و پنجم: مجلس مؤسسان اولین قانون اساسی

جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را تصویب نموده و به

توشیح رئیس جمهور می‌رساند.

ماده نود و ششم: کار مجلس مؤسسان بعد از تصویب

اولین قانون اساسی دولت فدرالی اسلامی کشور خاتمه

می‌یابد.

فصل ششم: شورای ملی فدرال

ماده نود و هفتم: شورای ملی فدرالی مظهر اراده مردم

افغانستان است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند.

- مردم افغانستان از طریق شورای ملی فدرال در زندگی

سیاسی مملکت سهم می‌گیرند.

ماده نود و هشتم: اعضای شورای ملی فدرال از طریق

رای گیری عمومی، مساوی، آزاد، سری و مستقیم بر اساس

تعداد نفوس برای یکدوره تقنینی چهار ساله طبق قانون

انتخاب می‌شوند.

ماده نود و نهم: سن قانونی عضویت در شورای ملی

فدرال برای مرد وزن تکمیل ۲۵ سال و سن قانونی برای

رای دهنده در تمام عرصه‌های انتخاباتی تکمیل ۲۰ سال

می‌باشد.

- شرط اشتراک در رای دهی و انتخاب شدن، داشتن

تذکره تابعیت می‌باشد.

- سایر شرایط و طرز انتخابات در قانون انتخابات تنظیم

می‌گردد.

ماده صد: شورای ملی فدرال در اولین جلسه خویش

یک نفر را به حیث رئیس و دو نفر را به حیث نایب رئیس

دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت دو سال از

بین اعضای خویش انتخاب می‌نماید.

ماده یکصد و یکم: شورای ملی فدرالی دارای

صلاحیتهای ذیل می‌باشد:

۱- تعدیل قانون اساسی به پیشنهاد ۵۰ فیصد اعضای

شورای ملی و موافقت مقام ریاست جمهوری و محکمه

عالی به تصویب سه ربع اعضای شورای ملی فدرال.

۲- قبول استعفای رئیس جمهور و معاونان او.

۳- تصمیم بر عزل، تحقیق و محاکمه رئیس جمهور

و معاونان او در حالت حکم فتره ۴ این ماده.

۴- هرگاه رئیس جمهور و یا معاونان او به ارتکاب جرم و یا خیانت بزرگ متهم گردند، موضوع به اساس در خواست یک نلک اعضا در مجلس شورای ملی فدرال مطرح و مورد غور و بررسی می گیرد. هرگاه دو نلک اعضای شورا آنرا وارد دانست در آن صورت جهت تعقیب، تحقیق، تعیین کیفر و مجازات رئیس جمهور و یا معاونان او محکمه اختصاصی تشکیل می گردد.

۵- اعضای محکمه اختصاصی عبارتند از:

الف) رئیس محکمه عالی به حیث رئیس محکمه اختصاصی.

ب) رئیس شورای ملی فدرال به حیث نایب رئیس محکمه اختصاصی.

ج) رئیس دیوان عالی مدعی العمومیت، (لوی خازنوال) به حیث منشی رئیس محکمه اختصاصی.

د) رئیس محکمه قانون اساسی به حیث عضو رئیس محکمه اختصاصی.

ه) نایبان و منشیان شورای ملی فدرال به حیث عضو رئیس محکمه اختصاصی.

و) رؤسای شورای ایالات فدرال به حیث عضو رئیس محکمه اختصاصی.

این محکمه اختصاصی می تواند از قضات، پولیس، مدعی العموم (خازنوال) و افراد اداری و مسلکی در مسایل تحقیق استفاده نماید. افراد اخیرالذکر عضو محکمه اختصاصی نبوده و حق رأی و قضاوت را ندارند. در تمام این حالات جریان تحقیق سری بوده و افشاکننده آن طبق قانون حفظ اسرار دولت مجازات می گردد.

محکمه اختصاصی مکلف است که از آغاز تشکیل در مدت حد اکثر ۵۰ روز فیصله خود را صادر نماید. این فیصله نهایی بوده استیناف طلب نیست.

۶- در صورتیکه محکمه اختصاصی بعد از فیصله لازم داند، جریان به اطلاع عامه رسانیده می شود.

۷- در حالت فوق معاون اول رئیس جمهوری از مقام ریاست جمهوری سرپرستی می نماید.

۸- در صورتیکه معاون اول نیز معین جرم متهم گردد، معاون دوم رئیس جمهور از مقام ریاست جمهوری سرپرستی می نماید.

۹- هرگاه معاون دوم نیز معین جرم متهم باشد، در آن صورت وظایف مقام ریاست جمهوری را رئیس شورای ملی فدرال تا فیصله محکمه اختصاصی به عهده می گیرد.

۱۰- هرگاه رئیس جمهور و یا معاونان او نزد محکمه اختصاصی برائت حاصل نماید تا ختم دوره ریاست جمهوری به وظایف خویش ادامه می دهند. ولی به هیچ وجه در دوره بعدی کاندید شده نمی توانند.

۱۱- هرگاه رئیس جمهور و یا معاونان او نظر به فیصله محکمه اختصاصی محکوم شناخته شوند شورای ملی فدرال کمیسیون را توظیف تا طبق فقره ۳ ماده ۱۱۸ این قانون اساسی، انتخابات عمومی را برگزار نماید.

۱۲- تصویب، تعدیل و لغو قوانین، فرامین تقنینی و تقدیم آنها به رئیس جمهور غرض توشیح و اعلام الغای آنها از جانب رئیس جمهور.

۱۳- تصویب پلانیهای انکشافی، اقتصادی و اجتماعی و تایید گزارش حکومت در مورد اجرای آنها.

۱۴- تصویب و عقد و فسخ معاهدات دو جانبه بین الدول و تصویب الحاق به معاهدات بین المللی و انفصال از آنها.

۱۵- تصویب بودجه دولت فدرالی اسلامی افغانستان و بودجه ایالات و بررسی گزارش در مورد اجرای آنها.

۱۶- تصویب ایجاد ایالت جدید و الحاق ایالات به همدیگر و تصویب تغییرات جغرافیایی ناشی از ایجاد ایالت جدید و الحاق ایالات به همدیگر.

۴- هرگاه رئیس جمهور و یا معاونان او به ارتکاب جرم و یا خیانت بزرگ متهم گردند، موضوع به اساس در خواست یک نلک اعضا در مجلس شورای ملی فدرال مطرح و مورد غور و بررسی می گیرد. هرگاه دو نلک اعضای شورا آنرا وارد دانست در آن صورت جهت تعقیب، تحقیق، تعیین کیفر و مجازات رئیس جمهور و یا معاونان او محکمه اختصاصی تشکیل می گردد.

۵- اعضای محکمه اختصاصی عبارتند از:

الف) رئیس محکمه عالی به حیث رئیس محکمه اختصاصی.

ب) رئیس شورای ملی فدرال به حیث نایب رئیس محکمه اختصاصی.

ج) رئیس دیوان عالی مدعی العمومیت، (لوی خازنوال) به حیث منشی رئیس محکمه اختصاصی.

د) رئیس محکمه قانون اساسی به حیث عضو رئیس محکمه اختصاصی.

ه) نایبان و منشیان شورای ملی فدرال به حیث عضو رئیس محکمه اختصاصی.

و) رؤسای شورای ایالات فدرال به حیث عضو رئیس محکمه اختصاصی.

این محکمه اختصاصی می تواند از قضات، پولیس، مدعی العموم (خازنوال) و افراد اداری و مسلکی در مسایل تحقیق استفاده نماید. افراد اخیرالذکر عضو محکمه اختصاصی نبوده و حق رأی و قضاوت را ندارند. در تمام این حالات جریان تحقیق سری بوده و افشاکننده آن طبق قانون حفظ اسرار دولت مجازات می گردد.

محکمه اختصاصی مکلف است که از آغاز تشکیل در مدت حد اکثر ۵۰ روز فیصله خود را صادر نماید. این فیصله نهایی بوده استیناف طلب نیست.

عقرب ختم می‌گردد. - ماده ۲۰ -

- در صورتیکه در اجلاس مجلس شورای ملی فدرال بودجه سالانه و یا پلان انکشافی دولت مطرح باشد، مدت اجلاس مجلس شورای ملی الی تصویب آن تمدید می‌گردد.

- در صورتیکه تصویب بودجه قبل از شروع سال مالی صورت نگیرد، بودجه سال گذشته الی تصویب بودجه سال جدید تطبیق می‌گردد.

- اجلاس فوق‌العاده مجلس شورای ملی بر اساس تصمیم رئیس جمهور، مطالبه رئیس مجلس شورای ملی فدرال و یا تقاضای یک ربع اعضای مجلس دایر شده می‌تواند.

ماده یکصد و چهارم: اولین اجلاس دوره تقنینیه شورای ملی به وسیله رئیس جمهور طی مدت سی روز بعد از ختم انتخابات فراخوانده می‌شود.

ماده یکصد و پنجم: به استثنای حالاتیکه اخذ تصمیم در آن به اکثریت دوثلت مجموع آرای اعضا و یا بالاتر تصریح و قید گردیده باشد، نصاب مجلس شورای ملی با حضور دوثلت اعضای آن تکمیل و تصمیم مجلس به اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد.

ماده یکصد و ششم: اجلاس شورای ملی علنی بوده مگر اینکه مجلس به سری بودن آن تصمیم بگیرد. جریان مباحثات مجلس ثبت می‌گردد.

- هیچکس نمی‌تواند عنفاً به مقر شورا داخل شود. متخلفین مطابق به احکام قانون مجازات می‌گردند.

ماده یکصد و هفتم: مجلس شورای ملی اصول و وظایف داخلی خود را وضع و تصویب می‌نماید.

ماده یکصد و هشتم: مجلس برای مطالعه دقیق و مفصل موضوعات مورد بحث، طبق احکام اصول و وظایف داخلی خود کمیسیونها را تعیین می‌نماید.

۱۰ - تصویب حدود جغرافیایی ایالات و واحدهای اداری آنها.

۱۱ - ایجاد و لغو وزارتخانه‌های فدرال.

۱۲ - تصویب اخذ قرضه از دول خارجی و اعطای قرضه و امتیازات به آنها.

۱۳ - موافقت با اعلان جنگ و متارکه.

۱۴ - اتخاذ تصمیم در مسایل مهمی که به سرنوشت کشور تعلق دارد.

۱۵ - وضع نشانها و مدالها و القاب افتخاری طبق قانون.

۱۶ - تصویب نشان دولت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان و تصویب سرود ملی به زبانهای دری و پشتو.

۱۷ - تایید برقراری و قطع روابط با دول خارجی و مؤسسات بین‌المللی.

۱۸ - استماع جواب قوه اجراییه در مورد اجراءات شامل صلاحیت‌هایشان در جلسه استجواب.

۱۹ - اعطای رأی اعتماد یا سلب اعتماد از کابینه و اعضای آن.

۲۰ - تصویب قوانین مطروحه شوراهای ایالات فدرال.

ماده یکصد و دوم: مجلس شورای ملی فدرال در اولین اجلاس خود کمیسیون را از بین اعضای خود جهت بررسی وثایق عضویت انتخاب می‌کند. این کمیسیون نتایج بررسی را به مجلس شورای ملی فدرال گزارش می‌دهد.

ماده یکصد و سوم: رئیس مجلس شورای ملی فدرال رهبری و تأمین نظم مجلس را به عهده دارد. در غیاب رئیس مجلس وظایف آن را یکی از نایبان مجلس انجام می‌دهد.

- اجلاس عادی شورای ملی فدرال در سال هفت‌ماه و در دو موعد می‌باشد.

- اجلاس اول از هفته اول برج حوت شروع و به سی و یکم برج جوزا ختم می‌گردد.

- اجلاس دوم از اول برج سنبله شروع و روز سی‌ام برج

ماده یکصد و سیزدهم: مقامات ذیل حق پیشنهاد، وضع، تعدیل و لغو قانون را به شورای ملی دارا می‌باشند:

۱- رئیس جمهور.

۲- کمیسیونهای مجلس شورای ملی فدرال.

۳- حد اقل عشر اعضای مجلس شورای ملی فدرال.

۴- هیأت وزرا.

۶- محکمه عالی.

۷- دیوان عالی مدعی العمومیت (خازنوالی).

۸- در صورتیکه وضع، تعدیل و لغو قانون موجب افزایش و با کاهش عواید دولت گردد مشوره با هیأت وزرا ضروری است.

ماده یکصد و چهاردهم: تصاویب شورای ملی فدرال بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می‌گردد.

- در صورتی که رئیس جمهور به تصمیم شورای ملی موافقه نداشته باشد می‌تواند آنرا در ظرف ۳۰ روز بعد از تاریخ تقدیم با تذکره لایل به شورای ملی فدرال مسترد نماید.

- هرگاه رئیس جمهور بعد از سپری شدن تاریخ تقدیم تصاویب شورای ملی را مسترد ننمود و همچنان در صورت استرداد هرگاه مجلس شورای ملی فدرال موضوع مسترد شده را دوباره با اکثریت آرای اعضا تصویب نماید تصمیم نافذ شمرده شده، رئیس جمهور مکلف است آنرا توشیح نموده و انفاذ آنرا اعلام نماید.

ماده یکصد و پانزدهم: قوانین و مصوبات شورای ملی فدرال به زبانهای دری و پشتو به نشر می‌رسد و می‌توان آنرا به زبانهای سایر ملیتهای کشور نیز نشر نمود.

ماده یکصد و شانزدهم: طرز فعالیت مجلس شورای ملی فدرال و کمیسیونهای دایمی آن توسط طرزالعمل مجلس شورا در مطابقت با احکام قانون اساسی و قوانین نافذ کشور تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و نهم: شورای ملی فدرال صلاحیت دارد بر اساس پیش نهاد یک ثلث اعضای خود جهت تحقیق اجراءات کابینه در مرکز و ایالات کمیسیونهای تحقیق تعیین نماید.

- ترکیب و طرزالعمل کمیسیون تحقیق در اصول و ظایف داخلی تثبیت می‌گردد.

ماده یکصد و دهم: شورای ملی فدرال حق دارد در جلسه استبضاح از رئیس و هیأت وزرا توضیحات بخواهد پاسخ استبضاح به صورت تحریری و یا شفاهی ارائه می‌گردد.

- شورای ملی فدرال می‌تواند بر اساس پاسخ ارائه شده موضوع سلب اعتماد از رئیس هیأت وزرا و یا اعضای آنرا مورد بررسی قرار دهد. هیأت وزرا که مورد سلب اعتماد قرار می‌گیرد تا تشکیل کابینه جدید به وظایف خود ادامه می‌دهند.

ماده یکصد و یازدهم: اعضای کابینه می‌توانند با کسب اجازه از رئیس شورای ملی فدرال بارای مشورتی درجلسات عمومی و کمیسیونهای آن اشتراک نمایند.

ماده یکصد و دوازدهم: اعضای شورای ملی فدرال در اجلاس خویش دارای حق رأی و اظهار نظر می‌باشند.

- هیچ عضو شورای ملی فدرال به خاطر رأی یا اظهار نظر در داخل و یا خارج شورای ملی مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد.

- به استثنای حالات جرم مشهود، عضو شورای ملی بدون موافقه شورای ملی فدرال و در حالت بین دو اجلاس شورای ملی فدرال بدون موافقت هیأت اداری آن مورد تعقیب عدلی قرار گرفته نمی‌تواند.

- هرگاه عضو شورای ملی در حالت جرم مشهود گرفتار گردد باید به هیأت اداری مجلس شورای ملی فدرال اطلاع داده شود.

«بنام خداوند عظیم و توانا سوگند یاد می‌کنم که در تمام اعمال خودالله جل جلاله را حاضر و ناظر دانسته، احکام دین مبین اسلام را اطاعت، قانون اساسی و قوانین دولت را حمایت، استقلال وطن، تمامیت ارضی مملکت را حفاظت، حقوق مردم و آزادیهای اساسی اتباع را حراست نمایم.

با استعانت از بارگاه پروردگار تمام مساعی خود را در برقراری عدالت در جامعه و در راه سعادت مردم و ترقی ملت افغانستان به کار برم.»

ماده یکصد و بیست و یکم: رئیس جمهور علاوه بر سایر صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی دارای صلاحیتهای ذیل می‌باشد:

- ۱- قیادت اعلاى قوای مسلح کشور.
 - ۲- اعلان و متارکه جنگ به موافقه شورای ملی فدرال.
 - ۳- تعیین اعضای کمیسیون طرح تسوید قانون اساسی.
 - ۴- اعلان انتخابات برای تدویر مجلس مؤسسان.
 - ۵- دعوت، دایر کردن و افتتاح شورای ملی فدرال به استثنای حالت مندرج فقره ۳ ماده ۱۰۱ این قانون اساسی.
 - ۶- دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده شورای ملی فدرال.
 - ۷- توشیح قانون اساسی و سایر قوانین و اعلام انفاذ آنها و صدور فرامین تقنینی.
 - ۸- اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق احکام قانون.
 - ۹- توشیح معاهدات بین الدول بعد از تصویب شورای ملی فدرال.
 - ۱۰- معرفی معاونان رئیس جمهور به شورای ملی فدرال به منظور تأیید تقرر آنها.
- الف) معاون یا معاونان رئیس جمهور باید تبعه افغانستان بوده خود و همسرانشان از والدین افغان متولد و واجد تمام

فصل هفتم: رئیس جمهور و معاونان او

ماده یکصد و هفدهم: رئیس جمهور، رئیس دولت و عالیترین شخصیت ملی کشور است. رئیس جمهور از دست آوردهای انقلاب اسلامی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، قانون اساسی، حاکمیت قانون و وحدت ملی حمایت نموده، حدود قوای دولت را جهت تأمین نقش آنها در اجرای وظایف ملی و اسلامی رعایت می‌کند.

- رئیس جمهور از صلاحیتهای قانونی در عرصه تقنینیه، اجرائیه، قضاییه و ارگانهای ایالتی فدرال مطابق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین کشور برخوردار می‌باشد.

ماده یکصد و هیجدهم: رئیس جمهور توسط آرای عمومی و مستقیم مردم برای مدت ۴ سال انتخاب می‌گردد.

- یک شخص نمی‌تواند پیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.

- رئیس جمهور نزد شورای ملی مسؤول بوده و مکلف به ارائه گزارش می‌باشد.

- به منظور انتخاب رئیس جمهور جدید، شورای ملی فدرال طی مدت ۶۰ روز قبل از ختم دوره صلاحیت رئیس جمهور انتخابات را برگزار می‌نماید.

ماده یکصد و نوزدهم: هر تبعه جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان که سن ۳۰ سالگی را تکمیل کرده باشد، خود و همسر وی از والدین افغان متولد شده و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشد به حیث رئیس جمهور انتخاب شده می‌تواند.

ماده یکصد و بیستم: رئیس جمهور بعد از انتخاب شدن در شورای ملی فدرال حلف آتی را به جا می‌آورد:

۲۰- اعطای القاب افتخاری و اعطای نشانها و مدالها طبق قانون.

۲۱- منظوری سرود ملی و نشان دولتی بعد از تصویب شورای ملی فدرال.

۲۲- اعلام الغای قوانینی که عدم مطابقت آن با قانون اساسی توسط محکمه عالی قانون اساسی تشبیت شده باشد.

۲۳- ایجاد دستگاه اداری ریاست جمهوری.

۲۴- اعمال سایر صلاحیتهایی که در این قانون اساسی و سایر قوانین کشور به آن تصریح شده باشد.

ماده یکصد و بیست و دوم: رئیس جمهور و معاونان او در مدت تصدی و وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی توانند.

ماده یکصد و بیست و سوم: معاونان رئیس جمهور نزد رئیس جمهور و شورای ملی فدرال در قسمت اجراءات و وظیفوی خویش مسؤول می باشند.

ماده یکصد و بیست و چهارم: رئیس جمهور به غیر از حالات بیماری صعب العلاج و دوامدار، استعفا یا حالت مندرج فقره ۴ ماده ۱۰۱ این قانون اساسی الی ختم دوره صلاحیت به وظیفه خود ادامه می دهد.

- در تمام حالاتیکه رئیس جمهور نتواند وظایف خود را ایفا نماید و وظایف او از طرف معاون اول رئیس جمهور اجرا می گردد.

- در صورتیکه معاون اول رئیس جمهور نیز با حالت فقره ۴ ماده ۱۰۱ این قانون اساسی مواجه باشد یکی دیگر از معاونان و وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

- در حالیکه همه معاونین رئیس جمهور با حالت فقره ۴ ماده ۱۰۱ این قانون اساسی مواجه باشند، وظایف رئیس جمهور را رئیس شورای ملی فدرال اجرا می نماید.

ماده یکصد و پنجم: در حالت اراده استعفا،

حقوق مدنی و سیاسی باشند.

ب) معاونان رئیس جمهور بعد از اخذ تایید شورای ملی حلف آتی را به حضور اعضای مجلس شورای ملی فدرال بجا می آورند:

«بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که قانون اساسی و دیگر قوانین جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را محترم شمارم و از آن پیروی کنم و تمام نیروی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع ملی نموده از اهداف انقلاب اسلامی و جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان حمایت نمایم.»

۱۱- مطالبه عزل معاونان رئیس جمهور از شورای ملی فدرال.

۱۲- معرفی هیأت وزرا غرض اخذ رأی اعتماد به شورای ملی فدرال.

۱۳- منظوری وزرا بعد از کسب رأی اعتماد از شورای ملی فدرال و قبول استعفاي آنان.

۱۴- منظور رؤسای ایالتی بعد از تصویب شورای ایالت فدرال و تعلیق صلاحیت آنها در حالت اضطرار طبق قانون.

۱۵- منظوری انفکاک، تقرر، ترفیع و تقاعد اعضای محکمه عالی، قضات، کارمندان و افسران عالیرتبه طبق قانون.

۱۶- اتخاذ تصمیم در مورد نظر خواهی عمومی راجع به مسایل عمده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.

۱۷- عفو و تخفیف مجازات.

۱۸- منظوری سران نمایندگیهای سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و منظوری نمایندگان دایمی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان نزد مؤسسات بین المللی و قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی.

۱۹- اعلام حالت اضطرار و خاتمه دادن به آن طبق قانون.

تصویب به شورای ملی فدرال و اتخاذ تدابیر برای تطبیق و اجرای آن.

۷- اخذ قروض داخلی و خارجی و تأدیه آن بعد از تصویب شورای ملی فدرال.

۸- اتخاذ تدابیر لازم و مؤثر جهت از بین بردن هر نوع فساد اداری مطابق با احکام قانون.

۹- تأمین نظم و امنیت عمومی

۱۰- عقد قرار دادها با ممالک و مؤسسات خارجی مطابق با احکام قانون.

۱۱- اجرای سایر وظایفیکه این قانون اساسی و قوانین به هیأت وزرا سپرده باشد.

ماده یکصد و بیست و نهم: هیأت وزرا برای تنظیم امور اجراییوی خویش مقررات وضع می کند. این مقررات مناقض نص یا روحیه این قانون اساسی و سایر قوانین نافذه کشور بوده نمی تواند.

ماده یکصد و سی ام: هیأت وزرا در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی توانند.

ماده یکصد و سی و یکم: هیأت وزرا در برابر رئیس جمهور و شورای ملی فدرال در قسمت اجراآت خود مسؤول می باشند.

ماده یکصد و سی و دوم: اتهام جرم علیه وزیر یا وزرا از طرف یک ثلث اعضای شورای ملی تقاضا شده می تواند.

- تعقیب، تحقیق و محاکمه آنها طبق حکم فقره ۴ ماده ۱۰۱ این قانون اساسی صورت می گیرد.

فصل نهم: قوه قضاییه فدرال

ماده یکصد و سی سوم: قوه قضاییه یک رکن مستقل دولت بوده و مرکب از محکمه عالی و محاکم دیگری که طبق قانون تشکیل می گردد، می باشد.

ماده یکصد و سی و چهارم: محکمه عالی، عالیترین

رئیس جمهور استعفای خود را مستقیماً به شورای ملی فدرال تقدیم می نماید.

ماده یکصد و بیست و ششم: در حالت استعفا یا وفات رئیس جمهور، معاون اول اوالی انتخاب رئیس جمهور جدید از مقام ریاست جمهوری سرپرستی می نماید.

- در صورت نبودن معاون اول، معاون دوم وظایف ریاست جمهور را به عهده می گیرد.

- در چنین حالت، شورای ملی فدرال مکلف به اجرای حکم فقره سوم ماده ۱۱۸ این قانون اساسی می باشد.

فصل هشتم: هیأت وزرا

ماده یکصد و بیست و هفتم: هیأت وزرا ارگان عالی اجراییوی و اداری دولت بوده و تحت رهبری رئیس جمهور ایفای وظیفه می نماید.

- وزرا باید تبعه افغانستان بوده خود و همسرانشان از والدین افغان متولد و واجد تمام حقوق مدنی و سیاسی باشند.

ماده یکصد و بیست و هشتم: هیأت وزار دارای وظایف و صلاحیتهای ذیل می باشد:

۱- تطبیق سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق با احکام قانون و اساسات دین مقدس اسلام.

۲- اداره، انسجام، مراقبت امور وزارتخانه ها و سایر دوایر و مؤسسات دولتی.

۳- صدور تصامیم اجراییوی و اداری طبق قوانین و فرامین صادره و نظارت بر تطبیق آنها.

۴- تسوید قوانین و وضع مقررات.

۵- ترتیب و تنظیم بودجه دولت و اتخاذ تدابیر برای استحکام وضع اقتصادی و سیستم پولی و مالی و تقدیم آن

۶- طرح پلانهای انکشافی دولت و تقدیم آن غرض

نموده و در همه احوال و اجراءات خود خداوند (ج) را حاضر دانسته از حقوق مردم و عدالت حمایت نمایم.

ماده یکصد و چهل و چهارم: در تمام مقامات قوه قضائیه، دو ثلث قضات آن از پیروان مذهب حنفی و یک ثلث قضات آن از پیروان مذهب جعفری می باشد.

ماده یکصد و چهل و دوم: صلاحیت قضا شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت به صفت مدعی یا مدعی الیه قرار گرفته و در پیشگاه قضا مطابق به احکام قانون اقامه می گردد.

ماده یکصد و چهل و سوم: محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود طبق مواد این قانون اساسی و قوانین دولت فدرال و احکام شریعت اسلام حکم می نماید.

— هرگاه برای قضیه از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی و قوانین دولت فدرال حکمی موجود نباشد در آن صورت محکمه مطابق اساسات شریعت اسلام که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید حکم صادر می کنند.

ماده یکصد و چهل و چهارم: در محاکم کشور محاکمه به صورت علنی اجرا می گردد و هرکس حق حضور را در آن مطابق به احکام قانون دارد.

— فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است. در صورتیکه محکمه شخص را محکوم به اعدام نماید توشیح رئیس جمهور شرط است.

— محکمه می تواند در حالت استثنایی جلسات را سرّی دایر نماید ولی اعلام حکم به هر حال باید علنی صورت گیرد.

— محاکم مکلف اند، دلایل حکم را در فیصله خویش ذکر نمایند.

ماده یکصد و چهل و پنجم: کشف جرایم از طرف

ارگان قوه قضائیه فدرال بوده که مرکب است از: قاضی القضاة و معاونان قاضی القضاة و اعضا.

— تعداد مجموعی اعضای محکمه عالی نباید از پانزده نفر بیشتر باشد.

ماده یکصد و سی و پنجم: رئیس جمهور یک نفر از قضات را به حیث قاضی القضاة تعیین می نماید.

ماده یکصد و سی و هشتم: اعضای محکمه عالی و رؤسای دیوانهای محکمه عالی و رؤسای محاکم به پیشنهاد قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور تعیین و مقرر می گردند.

ماده یکصد و سی و نهم: رئیس القضاة ایالت به پیشنهاد رئیس هیأت اجراییه ایالت، موافقه قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور تعیین و مقرر می گردد.

— سایر قضات ایالتی به پیشنهاد رئیس القضاة و منظوری رئیس هیأت اجراییه ایالت، تعیین و مقرر می گردند.

ماده یکصد و سی و هشتم: اعضای محکمه عالی دارای صفات ذیل می باشند.

۱- سن ۳۰ سالگی را تکمیل و تابعیت دولت فدرال اسلامی افغانستان را دارا باشد.

۲- از احکام فقه اسلامی، قوانین مدنی و حقوقی آگاهی کافی داشته و دارای امانت و تقوا باشد.

۳- محکوم به حرمان از حقوق مدنی نشده باشد.

ماده یکصد و سی و نهم: قاضی القضاة و اعضای محکمه عالی قبل از اشغال وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس جمهور بجا می آورند:

«بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که وظیفه قضا را با کمال امانت و شرافت اجرا نموده حق، عدالت و قوانین اسلامی و سایر احکام و ارزشهای قانون اساسی و قوانین جمهوری فدرال اسلامی افغانستان را رعایت

پولیس بوده تعقیب، تحقیق و اقامه دعوی آن از طرف مدعی العموم (خانوال) که جزء قوه قضاییه می باشد مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

ماده یکصد و چهل و ششم: در هیچ حالت به استثنای جنگ نمی توان امور مربوط به قضا را از دایره صلاحیت قوه قضاییه دولت فدرال به نحویکه در این فصل معین گردیده خارج ساخته و به مقام دیگری تفویض نمود.

- این حکم مانع تشکیل محاکم نظامی نمی گردد. حدود صلاحیت محاکم نظامی منحصر به جرایم منسوبین قوای مسلح بوده تشکیل و صلاحیت آن توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و چهل و هفتم: رئیس جمهوری می تواند در مورد اعضای محکمه عالی و رئیس آن بعد از مرور هر چهار سال از تاریخ تعیین شان تجدید نظر نماید.

- قاضی القضاات و اعضای محکمه عالی و رئیس القضاات به استثنای حالت مندرج ماده ۱۵۰ این قانون اساسی قبل از انقضای چهار سال به هیچ وسیله دیگر از وظایف شان بر طرف نمی شوند.

ماده یکصد و چهل و هشتم: قاضی القضاات و اعضای محکمه عالی به استثنای حالت ماده ۱۵۰ این قانون اساسی بعد از ختم قانونی دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از امتیازات قانونی مستفید می گردند.

ماده یکصد و چهل و نهم: قاضی القضاات، اعضای محکمه عالی و قضات عالی رتبه می توانند طبق احکام قانون از وظیفه قضا استعفا بدهند. استعفای آنها از طرف رئیس جمهور منظور می گردد.

ماده یکصد و پنجاهم: هرگاه یک ثلث اعضای شورای ملی، محاکمه قاضی القضاات، یک یا چند عضو محکمه عالی را بر اساس اتهام جرم تقاضا نماید و شورای ملی فدرال این تقاضا را به اکثریت دوثلث اعضا تصویب نماید،

متهم از وظیفه سبکدوش می گردد.

- شورای ملی فدرال هیأت با صلاحیتی را از میان اعضای خویش جهت تعقیب، تحقیق و محاکمه متهم یا متهمین تعیین می کند.

- این هیأت تحت ریاست رئیس شورای ملی فدرال متهم را مطابق به حکم قانون محاکمه نموده، در صورتیکه جرم متهم ثابت گردد او را از وظیفه عزل و به جزا محکوم میسازد.

ماده یکصد و پنجاه و یکم: محکمه عالی، تشکیلات و اجراءات محاکم و امور قضایی را مطابق با احکام این قانون اساسی و قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم قضایی تنظیم می نماید.

ماده یکصد و پنجاه و دوم: بودجه قوه قضاییه از طرف قاضی القضاات به مشوره هیأت وزرا ترتیب گردیده به حیث یک جز بودجه دولت به شورای ملی فدرال تقدیم می شود. تطبیق بودجه قضا از صلاحیت قاضی القضاات می باشد.

ماده یکصد و پنجاه و سوم: محکمه عالی می تواند در ساحه تنظیم امور قضایی قوانین را تسوید و به شورای ملی فدرال پیشنهاد نماید.

ماده یکصد و پنجاه و چهارم: در مورد مأمورین و سار کارکنان اداری قوه قضاییه، احکام قوانین مربوط به مأمورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می باشد.

ماده یکصد و چهل و پنجم: تبدیل، ترفیع، تقاعد، قبول استعفا و مؤاخذة قضات مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

ماده یکصد و پنجاه و ششم: برای قضات معاش مناسب توسط قانون تعیین می گردد.

ماده یکصد و پنجاه و هفتم: قاضی القضاات و اعضای محکمه عالی در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی توانند.

فصل دهم: مدعی العمومیت (خارنوال)

ماده یکصد و پنجاه و هشتم: مدعی العمومیت (خارنوالی) بخشی از قوه قضاییه بوده و متشکل از رئیس عمومی، معاونین و سایر خارنوالان می باشند.

ماده یکصد و پنجاه و نهم: نظارت بر تطبیق، اجرا و رعایت یکسان قوانین از طرف وزارتخانه‌ها، ادارات، مؤسسات دولتی و اجتماعی، ایالات، احزاب سیاسی، مسئولین و اتباع به عهده مدعی العمومیت (خارنوالی) می باشد.

ماده یکصد و شصتم: رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی خارنوال) رهبری فعالیت ارگانهای مدعی العمومیت (خارنوالی) را به عهده دارد.

ماده یکصد و شصت و یکم: رئیس عمومی و معاونین مدعی العمومیت به پیشنهاد قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور و سایر مدعی العمومها (خارنوالان) به پیشنهاد رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی خارنوال) و منظوری قاضی القضاة تعیین می گردند.

ماده یکصد و شصت و دوم: رئیس مدعی العمومیت (لوی خارنوال) ایالت بر اساس پیشنهاد رئیس هیأت اجراییه ایالت و موافقه رئیس عمومی مدعی العمومیت (لوی خارنوال) مرکزی و منظوری قاضی القضاة مقرر می شود.

سایر مدعی العمومهای ایالت بر اساس پیشنهاد رئیس مدعی العموم ایالت و منظوری رئیس هیأت اجراییه ایالت مقرر می شوند.

ماده یکصد و شصت و سوم: تشکیل، ترکیب، صلاحیت و طرز فعالیت مدعی العمومیت (خارنوالی) توسط قانون تنظیم می گردد.

فصل یازدهم: محکمه قانون اساسی

ماده یکصد و شصت و چهارم: محکمه قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان به منظور مراقبت و نظارت از مطابقت قوانین، اسناد تقنینی و معاهدات بین المللی با قانون اساسی و تفسیر قوانین در چوکات قوه قضاییه ایجاد می گردد.

ماده یکصد و شصت و پنجم: محکمه قانون اساسی دارای صلاحیتهای ذیل می باشد:

الف) بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی و معاهدات بین المللی با قانون اساسی.

ب) تفسیر قانون اساسی.

ج) ارائه مشوره‌های قانونی در باره مسایل ناشی از قانون اساسی به رئیس جمهور.

د) ابراز نظر در باره مطابقت و عدم مطابقت اسناد تقنینی با قانون اساسی.

ه) ارائه پیشنهادات مشخص به منظور بهبود و انکشاف امور قانونگذاری به مراجع مربوط.

و) محکمه قانون اساسی منازعات و اختلافات قانونی را که حکم صریح در قانون اساسی نداشته باشد و بین مراجع دولتی و یا بین اشخاص و دولت مورد منازعه باشد حل و فصل می نماید.

ماده یکصد و شصت و ششم: محکمه قانون اساسی متشکل از رئیس، معاون، منشی و ده نفر عضو می باشد.

ماده یکصد و شصت و هفتم: اعضای محکمه قانون اساسی به پیشنهاد قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور فدرالی اسلامی افغانستان تعیین و مقرر می گردند.

ماده یکصد و شصت و هشتم: تشکیل و طرز فعالیت محکمه قانون اساسی توسط قانون تنظیم می گردد.

گزاران جنبش عدم انسلاک در جهت نیل به اهداف آن تلاش می‌کند.

ماده یکصد و هفتاد و چهارم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان خواهان برقراری و تحکیم مناسبات نیک با کشورهای اسلامی برادر، کشورهای دوست و همه کشورهای جهان مبتنی بر اصول تساوی حقوق، احترام متقابل به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله و تجاوز در امور داخلی یکدیگر، عدم توسل به زور، تهدید یا قوه، رد هرگونه مداخله علنی و مخفی، عدم اشتراک در پیمانهای نظامی استعماری، اجرای تعهدات بین‌المللی مطابق به اصول و موازین قبول شده حقوق بین‌الملل می‌باشد.

ماده یکصد و هفتاد و پنجم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان موادات منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر تصمیمات و مقررات بین‌المللی را رعایت می‌کند.

- در صورتیکه قسماً و یا تماماً فیصله‌های بین‌المللی که تنها وسیله تأمین منافع استعمار، استثمار، تجاوز و سلطه گری باشد و به ضرر ملل و کشورهای مسلمان و جهان تمام گردد، این نوع فیصله‌ها را غیر عادلانه دانسته خود را مکلف به اجرای آن نمی‌داند.

ماده یکصد و هفتاد و ششم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان از مبارزات برحق مردمان مسلمان و جهان به خاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و حق تعیین سرنوشت‌شان پشتیبانی نموده برضد استعمار، صهیونیسم و فاشیسم مبارزه می‌کند.

ماده یکصد و هفتاد و هفتم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان در مبارزه به خاطر خلع سلاح عام و تام، قطع مسابقات تسلیحاتی در زمین و فضا، عدم گسترش و امحای سلاحهای هسته‌ای و کیمیاوی و سایر انواع کشتار جمعی،

فصل دوازدهم: اداره

ماده یکصد و شصت و نهم: اداره جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان بر اساس واحدهای اداره مرکزی و ایالتی طبق قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و هفتادم: اداره مرکزی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان متشکل از هیأت وزرا و ادارات مربوطه آن می‌باشد.

- اداره ایالتی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان متشکل از ایالات، ولایات، ولسوالیها، شاروالیها و نواحی می‌باشد.

- در رأس واحدهای متذکره با الترتیب مسؤل هیأت وزرا، رئیس هیأت اجراییه ایالت، والیها، ولسوالیها، شاروال و آمرین نواحی قرار دارند.

ماده یکصد و هفتاد و یکم: والیها بر اساس پیشنهاد رئیس اجراییه ایالت، تصویب شورای ایالت و منظوری مسؤل هیأت وزرا مقرر می‌گردند.

- ولسوالها بر اساس پیشنهاد والی و منظوری رئیس هیأت اجراییه ایالت مقرر می‌گردند شاروالیها و آمرین نواحی بر اساس قانون شاروالیها انتخاب می‌گردند.

فصل سیزدهم: سیاست خارجی

ماده یکصد و هفتاد و دوم: سیاست خارجی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان بر مبنای تأمین منافع ملی، تحکیم استقلال و حاکمیت ملی، تمامیت ارضی کشور، حفظ امنیت جهانی، حسن همجواری، تساوی حقوق و انکشاف همه جانبه همکاری بین‌المللی استوار می‌باشد.

ماده یکصد و هفتاد و سوم: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان سیاست عدم انسلاک را به حیث اصل مهم سیاست خارجی خویش دنبال کرده و به مثابه یکی از بنیان

از بین بردن پایگاه‌های نظامی خارجی، رفع تشنجات منطقی و بین‌المللی و استقرار نظم عادلانه اقتصادی جهانی پشتیبانی می‌کند.

فصل چهاردهم: حالت اضطرار

ماده یکصد و هفتاد و هشتم: هرگاه خطر جنگ، جنگ، اغتشاش و امثال آن که استقلال، حاکمیت ملی و امنیت داخلی را به خطر مواجه سازد، به نحویکه تأمین آن در این قانون مشخص شده ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور بعد از موافقه رئیس شورای ملی فدرال و قاضی القضاات اعلام می‌گردد.

ماده یکصد و هفتاد و نهم: هرگاه حالت اضطرار بیش از یکماه دوام نماید، برای تمدید آن تصویب شورای ملی فدرال شرط است.

ماده یکصد و هشتادم: در حالت اضطرار، مجلس شورای ملی فدرال می‌تواند صلاحیتهای فوق‌العاده به رئیس جمهور واگذار نماید.

ماده یکصد و هشتاد و یکم: در حالت اضطرار رئیس جمهور می‌تواند بعد از اخذ موافقه رئیس شورای ملی و قاضی القضاات محکمه اختصاصی ایجاد نماید.

ماده یکصد و هشتاد و دوم: در حالت اضطرار، رئیس جمهور می‌تواند بعد از اخذ موافقه شورای ملی فدرال پایتخت کشور را مؤقتاً در محل دیگر انتقال دهد.

ماده یکصد و هشتاد و سوم: هرگاه دوره وکالت اعضای شورای ملی فدرال در جریان حالت اضطرار ختم گردد، رئیس جمهور می‌تواند بعد از موافقه مجلس شورای ملی فدرال جریان انتخابات جدید را معطل قرار داده و دوره وکالت اعضای شورای ملی فدرال را تا ختم حالت اضطرار تمدید نماید.

- بعد از ختم حالت اضطرار بلاوقته انتخابات برگزار

می‌گردد.

ماده یکصد و هشتاد و چهارم: در حالت اضطرار، قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تعدیل نمی‌شود.

ماده یکصد و هشتاد و پنجم: هرگاه در حالت اضطرار دوره صلاحیت رئیس جمهور خاتمه یابد، مجلس شورای ملی فدرال میعاد خدمت رئیس جمهور را الی ختم حالت اضطرار تمدید می‌نماید.

- بعد از ختم حالت اضطرار مطابق حکم ماده ۱۱۸ این قانون اساسی رئیس جمهور جدید انتخاب می‌گردد.

فصل پانزدهم: تعدیل

ماده یکصد و هشتاد و ششم: اصل پیروی از اساسات اسلام و نظام جمهوری فدرال اسلامی کشور مطابق با احکام این قانون اساسی تعدیل نمی‌شود.

ماده یکصد و هشتاد و هفتم: نظر به ایجابات عصر، مواد این قانون اساسی مطابق حکم فقره ۱ ماده ۱۰۱ تعدیل می‌گردد.

ماده یکصد و هشتاد و هشتم: طرح تعدیل قانون اساسی هر ایالت به پیشنهاد اکثریت اعضای شورای آن ایالت و موافقه رئیس اجراییه ایالت غرض تصویب به شورای ملی فدرال تقدیم و بعد از تصویب شورای ملی و توشیح رئیس جمهور نافذ می‌گردد.

فصل شانزدهم: احکام انتقالی

ماده یکصد و هشتاد و نهم: اولین قانون انتخابات توسط فرمان تقنینی رئیس جمهور نافذ و اعلان می‌گردد.

ماده یکصد و نودم: با انفاذ این قانون اساسی رئیس جمهور موقت فرمان انتخابات رئیس جمهور جدید را به اساس قانون انتخابات اعلام می‌دارد.

ماده سوم: دین رسمی مردم ایالت، دین مقدس اسلام و مذاهب رسمی آن جعفری و حنفی می باشد.

ماده چهارم: دفاع از استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و حفظ دست آوردهای انقلاب اسلامی از جمله وظایف اساسی تمام مردم ایالت می باشد.

ماده پنجم: زبانهای رسمی ایالت دری و پشتو است.

ماده ششم: هر ایالت دارای قانون اساسی است که با قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان مطابقت داشته و خصوصیات ایالت را در نظر می گیرد.

ماده هفتم: قانون اساسی ایالت توسط کمیسیون تدوین قانون اساسی ایالت طرح و بعد از نظر خواهی مردم ایالت و تایید شورای ایالتی به شورای ملی جمهوری فدرالی اسلامی جهت تصویب پیشنهاد می گردد.

ماده هشتم: منبع اساسی قوانین در ایالت، اساسات دین مقدس اسلام بوده و هیچ قانون نمی تواند مناقض احکام شریعت اسلام و قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان وضع گردد.

ماده نهم: ایالت دارای قوای مستقل مقننه، مجریه و قضاییه بوده و در حدود صلاحیت خود مسایل مربوط را حل و فصل می نماید.

ماده دهم: هر ایالت در پهلوی بیرق جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان بنا بر خصوصیات ایالتی خویش دارای بیرق و نشان ایالتی نیز می باشد.

ماده یازدهم: ایالت در محدوده حاکمیت خویش دارای واحدهای اداری: مرکز ایالت، ولایت، ولسوالی، شاروالی و نواحی آن می باشد.

ماده دوازدهم: حدود ایالت و واحدهای اداری آن بدون موافقت شورای ایالتی و تصویب شورای ملی فدرال تغییر نمی یابد.

- برای تعیین حدود ایالات کمیسیون با صلاحیتی از

ماده یکصد و نود و یکم: رئیس جمهور جدید مطابق با احکام قانون انتخابات، انتخابات اعضای شورای ملی را اعلام می دارد.

ماده یکصد و نود و دوم: بعد از تشکیل مجلس شورای ملی فدرال اسلامی، رئیس جمهور جدید فرمان انحلال کابینه موقت را صادر و کابینه جدید را بر طبق روحیه این قانون اساسی توظیف و به مجلس شورای ملی فدرال غرض اخذ رأی اعتماد معرفی می نماید.

- در خلال مدت تشکیل کابینه جدید الی اخذ رأی اعتماد از شورای ملی فدرال کابینه موقت به وظیفه خود ادامه می دهد.

ماده یکصد و نود و سوم: مطابق حکم ماده (۱۳۵) این قانون اساسی، رئیس جمهور جدید، محکمه عالی را تعیین می نماید.

قانون اساسی ایالت فدرال

ضمیمه قانون اساسی جمهوری فدرال اسلامی افغانستان

فصل اول: نظام سیاسی ایالت

ماده اول: جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان کشور کثیرالملّیت بوده که بنا برخواست اکثریت مردم و علایق فرهنگی، مذهبی، زبانی و سیاسی، ایالات در قلمرو آن تشکیل می گردد.

ماده دوم: هر ایالت در جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان مطابق قانون اساسی دارای حدود معین جغرافیایی بوده و بر تمام قلمرو خویش دارای حاکمیت می باشد.

فصل دوم: اساسات نظام اجتماعی اقتصادی

ماده بیست و یکم: ایالت اصل تقویه روحیه همکاری، تفاهم، دوستی و برادری را به منظور تأمین عدالت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در میان مردمان ایالت تعقیب می‌نماید.

ماده بیست و دوم: ایالت به منظور رشد فرهنگ، زبان و ادبیات، جمع‌آوری و نشر فلکلور مردم تدابیر لازم اتخاذ و آنرا انکشاف می‌دهد.

ماده بیست و سوم: ایالت مکلف است حرمت و خصایل اصیل اسلامی، ملی، قومی و نژادی مردمان ایالت را حفظ نموده و به تقویه مناسبات داخلی مردم تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده بیست و چهارم: ایالت به منظور حفظ سلامت ساکنان ایالت در باره تأمین صحت طفل و مادر و تربیه سالم اطفال توجه جدی مبذول می‌دارد.

ماده بیست و پنجم: تعلیمات عالیّه اسلام، اخلاق اسلامی، وطن‌دوستی، رسم و رواجهای پسندیده مردم زیر بنای معنوی جامعه ما را تشکیل داده، ایالت به حفظ، حرمت، ترویج و تعمیل آن مکلف می‌باشد.

ماده بیست و ششم: ایالت از حقوق و خدمات زن در برابر خانواده و جامعه حمایت می‌کند.

– تساوی حقوق اسلامی و قانونی زن و مرد را در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تضمین می‌نماید.

ماده بیست و هفتم: ایالت به تربیه سالم جوانان و نوجوانان مطابق به روحیه احکام شریعت اسلام توجه نموده و شرایط لازم را جهت پرورش سالم بدنی و استعدادهای فکری آنان فراهم می‌سازد.

ماده بیست و هشتم: حق زندگی، آزادی، کار، تحصیل، مسافرت و حق اشتراک در زندگی سیاسی اجتماعی،

طرف دولت جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان تعیین گردیده و حدود معینه ایالات را شورای ملی تصویب می‌نماید.

ماده سیزدهم: مناسبات بین ایالات بر مبنای حسن تفاهم، تقویه روحیه برادری، برابری، روابط نیک دوستی و همکاری متقابل استوار است.

ماده چهاردهم: ایالات حق دارند قرار دادهای متقابلاً مفید تجارتي، فرهنگی و غیره را با هم عقد و از تجارب یکدیگر استفاده نمایند.

ماده پانزدهم: مقامات ایالت با مقامات جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان و مقامات سایر ایالات کمکهای متقابل قانونی و اداری را انجام می‌دهند.

ماده شانزدهم: مردم ایالت برای حفظ منافع ایالت، از طریق شورای ایالتی و برای حفظ منافع علیای کشور از طریق شورای ملی سهم می‌گیرند.

ماده هفدهم: ایالت پلانهای اقتصادی و اجتماعی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان را در قلمرو خویش تطبیق نموده و فیصله‌های مقامات عالیّه دولتی و اداری جمهوری فدرالی اسلامی کشور را عملی می‌سازد.

ماده هیجدهم: چگونگی پرداخت مالیات، جمع‌آوری محصول، عواید و مسایل مالی ایالت توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده نوزدهم: مردم هر ایالت به تناسب نفوس خویش در ترکیب قوای مسلح اشتراک می‌ورزد.

– پولیس هر ایالت از مردم آن ایالت تشکیل می‌گردد.

ماده بیستم: مردم ایالت حق دارد، متناسب نفوسشان و همچنان بر اساس اصل اهلیت و شایستگی در تمام مقامات عالیّه دولت مرکزی، قوای مسلح، سفارتخانه‌ها و نمایندگیهای دیپلماتیک در خارج کشور و محافل بین‌المللی تعیین و مقرر گردند.

و صنایع دستی که یکی از محصولات خوب و قدیمی کشور به شمار می‌رود تشویق و حمایت می‌نماید.

ماده سی و پنجم: ایالت در مورد حفظ طبیعت، ثروتهای طبیعی و استفاده معقول از آنها، بهبود محیط زیست، حفظ جنگلات، جلوگیری از آلودگی آب و هوا، حفظ و ابقای حیوانات و نباتات تدابیر لازم اتخاذ و علمی می‌نماید.

ماده سی و ششم: ایالت وظیفه خود می‌داند که نسبت به بسط و توسعه تعلیمات اجباری رایگان، همگانی و ریشه کن نمودن بی‌سوادی و سوادآموزی عمومی، ایجاد و استفاده از وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو، تلویزیون و مطبوعات، در جهت رشد آگاهیهای عمومی، تأسیس و توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی، فراهم نمودن امکانات لازم غرض آموزش عالی، بسط و توسعه مراکز طبی برای تأمین صحت و سلامتی مردم و تحصیل خودکفایی در تمام زمینه‌های علمی، فرهنگی صنعتی و هنری اقدامات لازم نماید.

سی و هفتم: ایالت، اوزان، مقیاسها و محکها را با فورم و استاندارد بین‌المللی گسترش داده تطبیق می‌نماید.

ماده سی و هشتم: ایالت احکام مواد فصل چهارم قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان در رابطه به تابعیت، آزادی، حقوق اساسی و وجایب اتباع را در نظر گرفته عملی می‌نماید.

فصل سوم: شورای ایالتی (قوه مقننه)

ماده سی و نهم: شورای ایالتی مظهر اراده مردم و عالیترین ارگان تقنینی ایالت می‌باشد که از اراده مردم نمایندگی می‌کند.

- مردم ایالت از طریق شورای ایالتی در زندگی سیاسی - اجتماعی ایالت سهم می‌گیرد.

فرهنگی، اقتصادی و حق تأمین صحت، تأمین معیشت ایام بیکاری، بازنشستگی، معلولیت و حق خانواده شهدا در ایالت مطابق قانون تضمین می‌گردد.

ماده بیست و نهم: ایالت پلانهای انکشافی، اقتصادی و اجتماعی را به منظور بسیج و بهره‌برداری از تمام منابع ایالتی به خاطر رفع عقب ماندگی، بلند بردن سطح زندگی مادی و معنوی مردم، ایجاد زمینه کار، تکامل ساختار اجتماعی اقتصادی طرح و تدوین نموده و از طریق هیأت وزرا - غرض تصویب به شورای ملی تقدیم می‌نماید.

ماده سی ام: در ایالات ملکیت از تعرض مصون است. - ملکیت به اشکال مختلف دولتی، مختلط، جمعی، خصوصی، شخصی و ملکیت سازمانهای سیاسی و اجتماعی وجود دارد. ایالت از تمام انواع ملکیتهای قانونی حمایت می‌کند.

ماده سی و یکم: ایالت در رابطه به ملکیت دولتی، سرمایه‌گذارهای خصوصی و خارجی، ایجاد و فعالیت نمایندگی بانکهای خارجی مطابق احکام قانون اساسی جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان عمل می‌نماید.

ماده سی و دوم: ایالت پلانهای اقتصادی را در عرصه‌های استخراج منابع زیر زمین، معادن، استفاده از چراگاهها، بهره‌گیری از زمینهای بایر و لا‌مزروع، حفظ ابدات تاریخی، ایجاد و توسعه منابع اساسی انرژی، تأسیسات رادیو و تلویزیون، مخابرات، شفاخانه‌ها، بندهای بزرگ زراعتی و انرژی، بنادر و خطوط مواصلاتی را طرح و از طریق هیأت وزرا غرض تصویب به شورای ملی فدرال تقدیم می‌نماید.

ماده سی و سوم: ایالت در ایجاد، تقویه و گسترش مؤسسات تعاونی اسلامی مساعدت می‌نماید.

ماده سی و چهارم: ایالت در فعالیتهای انفرادی و جمعی کسبه کاران، اهل حرفه و صنعت، صنایع مستظرفه

اساس تصمیم رئیس هیأت اجراییه ایالت، مطالبه رئیس شورای ایالت و یا تقاضای یک ربع اعضای مجلس شورای ایالت دایر شده می‌تواند.

ماده چهل و نهم: اجلاس شورای ایالتی علنی بوده مگر اینکه شورا به سری بودن آن تصمیم بگیرد.

- جریان مباحثات شورای ایالتی ثبت می‌گردد.

ماده پنجاهم: شورای ایالتی اصول و وظایف داخلی خود را وضع و تصویب می‌نماید.

ماده پنجاه و یکم: اعضای شورای ایالتی در اجلاس خویش دارای حق رأی و اظهار نظر می‌باشد.

- هیچ عضو شورای ایالتی بخاطر رأی یا اظهار نظر در داخل و یا خارج شورا مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد، به استثنای حالات جرم مشهود.

- عضو شورای ایالتی بدون موافقت شورا و در حالت بین دو اجلاس شورای ایالتی بدون موافقه هیأت اداری آن توقیف و مورد تعقیب عدلی قرار گرفته نمی‌تواند.

- هرگاه عضو شورای ایالتی در حالت جرم مشهود گرفتار گردد، باید به هیأت اداری شورای ایالتی اطلاع داده شود.

ماده پنجاه و دوم: شورای ایالتی دارای صلاحیتهای ذیل می‌باشد:

۱- طرح تعدیل قانون اساسی ایالت به پیشنهاد یک ثلث و موافقت دو ثلث اعضای شورا و تایید رئیس هیأت اجراییه ایالت که جهت تصویب به شورای ملی فدرال پیشنهاد می‌گردد.

۲- قبول استعفای رئیس، معاون و اعضای هیأت اجراییه ایالت.

۳- تصمیم بر عزل، تحقیق و محاکمه رئیس هیأت اجراییه، معاونین و اعضا در حالت اتهام به ارتکاب جرم و خیانت بزرگ.

ماده چهلیم: اعضای شورای ایالتی از طریق رأی گیری عمومی، مساوی، سری، آزاد و مستقیم برای یک دوره تقنینی سه ساله طبق قانون انتخاب می‌شوند.

ماده چهل و یکم: سن قانونی عضویت در شورای ایالتی برای مرد وزن ۲۵ سال و سن قانونی برای رأی دهنده تکمیل ۲۰ سال می‌باشد.

- شرط اشتراک در رأی دهی و انتخاب شدن داشتن تذکره تابعیت می‌باشد.

- سایر شرایط و طرز انتخابات در قانون انتخابات خود ایالت تنظیم می‌گردد.

ماده چهل و دوم: اولین اجلاس دوره تقنینیه شورای ایالتی به وسیله رئیس هیأت اجراییه ایالت طی مدت ۳۰ روز بعد از ختم انتخابات فراخوانده می‌شود.

ماده چهل و سوم: شورای ایالتی در اولین اجلاس خویش کمیسونی را از بین اعضای خود جهت بررسی و تایق عضویت انتخاب می‌کند. این کمیسیون نتایج بررسی را به مجلس شورای ایالتی مربوط گزارش می‌دهد.

ماده چهل و چهارم: شورای ایالتی در اولین جلسه خویش یک نفر را به حیث رئیس، دو نفر را به حیث نایب رئیس و ۲ نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یک و نیم سال از بین اعضای خویش انتخاب می‌کند.

- بعد از یک و نیم سال این انتخابات تجدید می‌گردد.

ماده چهل و پنجم: از هر ۳۰۰۰۰ نفر یک نفر به حیث نماینده در شورای ایالتی انتخاب می‌گردد.

ماده چهل و ششم: رئیس شورای ایالتی رهبری و تأمین نظم مجلس را به عهده دارد. در غیاب رئیس شورای ایالتی وظایف انرا یکی از نایبان شورای ایالتی انجام می‌دهد.

ماده چهل و هفتم: مدت اجلاس عادی سالانه شورای ایالتی توسط طرز العمل خود شورای ایالتی تعیین می‌گردد.

ماده چهل و هشتم: اجلاس فوق العاده شورای ایالتی بر

۴- هرگاه رئیس هیأت اجراییه ایالت متهم به جرمی و یا ارتکاب خیانت قرار گیرد، موضوع بر اساس درخواست یک ثلث اعضا در مجلس شورای ایالتی مطرح و تحت غور و بررسی قرار می‌گیرد هرگاه دو ثلث اعضای شورا آن را وارد دانست، در آن صورت موضوع را جهت تعقیب، تحقیق و تعیین مجازات متهم به مقام ریاست جمهوری فدرال اطلاع و محکمه اختصاصی از طرف رئیس جمهور تعیین می‌گردد.

- الی تعیین و انتخاب رئیس هیأت اجراییه جدید معاون رییس هیأت اجراییه ایالت از وظایف او سرپرستی می‌نماید.

- در صورتیکه معاون ریاست هیأت اجراییه نیز به عین جرم متهم گردد رئیس شورای ایالتی از مقام ریاست هیأت اجراییه سرپرستی می‌نماید.

- در حالت وفات رئیس هیأت اجراییه ایالت الی تعیین و انتخاب رئیس هیأت اجراییه جدید، معاون او وظایف ریاست هیأت اجراییه ایالت را به عهده می‌گیرد.

۶- تعیین حدود جغرافیایی واحدهای اداری ایالت مربوط به تصویب شورای ملی فدرال. **شورای عالی علوم ایالتی**
۷- اتخاذ تصمیم در مسایل مهمی که به سرنوشت ایالت تعلق دارد.

۸- پیشنهاد تعدیل و لغو قوانین ایالتی و طرح قوانین جدید بعد از موافقه رئیس هیأت اجراییه و ارسال آنها به غرض تصویب به شورای ملی فدرال.

۹- طرح پلانیهای انکشافی اقتصادی - اجتماعی ایالت بعد از تایید رئیس هیأت اجراییه و تقدیم آن به هیأت وزرای فدرال.

۱۰- استماع جواب رئیس هیأت اجراییه در مورد اجراءات شامل صلاحیتهای شان.

۱۱- اعطای رأی اعتماد و یا سلب اعتماد از هیأت

اجراییه ایالت.

ماده پنجاه و سوم: شورای ایالتی صلاحیت دارد، بر اساس پیشنهاد ثلث اعضای خود جهت بررسی اجراءات هیأت اجراییه، ولایات، ولسوالیها و نواحی کمیسیونری را توظیف نماید.

ماده پنجاه و چهارم: شورای ایالتی حق دارد، در جلسه استیضاح از رئیس هیأت اجراییه (رئیس ایالت) توضیحات بخواهد.

- پاسخ استیضاح به صورت تحریری و یا شفاهی ارائه می‌گردد.

- شورای ایالتی می‌تواند بر اساس پاسخ ارائه شده، موضوع سلب اعتماد رئیس و اعضای هیأت اجراییه را مورد بررسی قرار دهد.

ماده پنجاه و پنجم: اعضای هیأت اجراییه می‌توانند باکسب اجازه از رئیس شورای ایالتی با رأی مشورتی در جلسات عمومی و کمیسیونهای شورا اشتراک نمایند.

ماده پنجاه و ششم: مقامات ذیل حق پیشنهاد تعدیل و لغو قوانین ایالتی و طرح قوانین جدید را به شورای ایالتی دارا می‌باشند:

۱- رئیس ایالت (رئیس هیأت اجراییه).

۲- دو ثلث اعضای شورای ایالتی.

۳- هیأت اجراییه.

۴- رئیس قوه قضاییه ایالت.

ماده پنجاه و هفتم: تصویب مقررات و طرزالعملها در شورای ایالتی بعد از منظوری رئیس هیأت اجراییه ایالت نافذ می‌گردد.

ماده پنجاه و هشتم: نشر تصاویر، طرزالعملها و مقررات شورای ایالتی به زبانهای رسمی کشور بوده و به زبانهای اکثریت ساکنین محل نیز نشر می‌گردد.

ماده شصت و چهارم: رئیس هیأت اجراییه ایالت علاوه بر صلاحیتهای مندرج این قانون، دارای صلاحیتهای اتی می باشد:

- ۱- دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده شورای ایالتی.
- ۲- تایید قانون اساسی ایالت و منظوری مقررات، طرزالعملها و مصوبات شورای ایالت و اعلام انفاذ آن.
- ۳- معرفی معاونان و منشیان رئیس هیأت اجراییه ایالت به شورای ایالتی به غرض تایید تعیین آنها و استحصال منظوری شان از مقام ریاست جمهوری فدرالی اسلامی کشور.

۴- مطالبه تایید عزل معاونان و منشیان هیأت اجراییه از شورای ایالتی.

- ۵- منظوری، تقرر، انفکاک، ترفیع و تقاعد قضات، افسران پولیس، قوای مسلح و کارمندان ملکی طبق قانون.
- ۶- اتخاذ تصمیم در مورد نظر خواهی عمومی راجع به مسایل عمده سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در سطح ایالت.

ماده شصت و پنجم: در حالت اراده استعفا، رئیس هیأت اجراییه ایالت استعفای خود را مستقیماً به شورای ایالت تقدیم می نماید.

- در صورتیکه شورای ایالت استعفای وی را به اکثریت قاطع تایید نماید، رئیس جمهور دولت فدرالی اسلامی افغانستان آنرا منظور می نماید.

فصل پنجم: قوه قضاییه ایالت (شورای قضایی)

ماده شصت و ششم: قضاء (قوه قضاییه) رکن مستقل ایالت فدرال می باشد.

ماده شصت و هفتم: قضاوت در ایالت، صرف توسط محکمه و طبق قانون صورت می گیرد.

ماده شصت و هشتم: قوه قضاییه ایالت فدرال مرکب

فصل چهارم:

رئیس هیأت اجراییه ایالت و معاونان او

ماده پنجاه و نهم: هیأت اجراییه که عالیترین ارگان اجراییه ایالت می باشد عبارتند از رئیس هیأت، دو نفر معاونان و دو نفر منشی.

ماده شصتم: رئیس هیأت اجراییه ایالت توسط آرای عمومی مردم ایالت برای مدت سه سال انتخاب می گردد. - یک شخص صرف برای دو دوره بحیث رئیس ایالت انتخاب شده می تواند.

- رئیس ایالت نزد شورای ایالتی مسؤول است.

ماده شصت و یکم: هر تبعه جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان که سن ۳۰ سالگی را تکمیل و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشد بحیث رئیس ایالت انتخاب شده می تواند.

ماده شصت و دوم: رئیس هیأت اجراییه ایالت بعد از انتخاب شدن، در شورای ایالتی حلف اتی را بجا می آورد:

«بنام خداوند بزرگ و توانا سوگند یاد می کنم که در تمام اعمال و کردار خود، الله جل جلاله را حاضر و ناظر دانسته،

احکام دین مقدس اسلام را اطاعت، قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری فدرالی اسلامی افغانستان و قانون اساسی ایالت را حمایت، حقوق و آزادیهای اساسی اتباع را حراست نمایم.

با استعانت از بارگاه پروردگار تمام مساعی خود را در برقراری عدالت در جامعه و در راه سعادت مردم و ترقی ملت افغانستان بکار برم.»

ماده شصت و سوم: رئیس هیأت اجراییه ایالت از صلاحیتهای مندرج در قانون اساسی فدرال و این قانون اساسی و سایر قوانین ایالتی در عرصه تقنینیه، اجراییه و قضاییه برخوردار می باشد.

است از شورای قضایی ایالت و محاکم دیگر که طبق قانون تشکیل می گردند.

نماید.

ماده شصت و نهم: شورای قضایی ایالت فدرال بحیث عالیترین ارگان قضایی در رأس سیستم واحد قضایی ایالت قرار داشته، مرکب است از رئیس القضاة (رئیس شورای قضایی)، دونفر معاون و چهار نفر اعضا.

ماده هفتادم: شورای قضایی ایالت مطابق احکام قانون فعالیتهای محاکم را در ایالت مربوط نظارت نموده تطبیق یکسان قانون را در فعالیتهای محاکم تأمین میکند.

ماده هفتاد و یکم: رئیس القضاة ایالت، معاونان و اعضای او به پیشنهاد رئیس هیأت اجراییه ایالت، موافقت قاضی القضاة دولت فدرال و منظور رئیس جمهور مقرر می گردند.

- سایر قضاة ایالت به پیشنهاد رئیس القضاة و منظوری رئیس ایالت مقرر می گردند.

ماده هفتاد و دوم: ترفیع، تقاعد، استعفا و عزل رئیس القضاة، معاونان و اعضای شورای قضایی و سایر قضاة ایالت توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتاد و سوم: قضاة در قضاوت خود صرف تابع قانون و احکام شریعت مقدس اسلام می باشند.

ماده هفتاد و چهارم: صلاحیت قضا شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت به صفت مدعی یا مدعی الیه قرار گرفته و به پیشگاه آن مطابق به احکام قانون اقامه می گردد.

ماده هفتاد و پنجم: قضاة حین بررسی قضایا، احکام قانون اساسی، قوانین دولت فدرال و احکام این قانون اساسی را تطبیق می نمایند.

- در حالیکه قانون صراحت نداشته باشد، محکمه، قضایا را طبق احکام شریعت مقدس اسلام به نحوی حل و فصل می نماید که عدالت را به بهترین وجه ممکن تأمین

ماده هفتاد و ششم: در محاکم ایالت، محاکمه به صورت علنی اجرا می شود. حالانیکه قضا یا در جلسات سری رسیدگی می شود، توسط قانون تعیین می گردد.

- فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است. در صورتیکه محکمه شخصی را محکوم به اعدام نماید، توشیح رئیس جمهور شرط است.

- ابلاغ حکم محکمه در همه حالات علنی است.

ماده هفتاد و هفتم: رسیدگی و حل و فصل قضایا در محاکم به لسانهای پشتو و دری و یا به لسان اکثریت ساکنین محل صورت می گیرد.

- فیصله های محاکم باید مدلل باشد و دلایل حکم در آن ذکر گردد.

ماده هفتاد و هشتم: کشف جرایم از طرف پولیس ایالت بوده تعقیب، تحقیق و اقامه دعوی از طرف مدعی العموم خائنوال که جزء قوه قضاییه ایالت می باشد، مطابق احکام قانون صورت می گیرد.

ماده هفتاد و نهم: شورای قضایی ایالت در ساحت تنظیم امور قضایی، قوانین را طرح و به شورای ایالتی پیشنهاد می نماید.

ماده هشتادم: تشکیل، ترکیب، صلاحیت و طرز العمل محاکم ایالت توسط قانون تنظیم می گردد.